

تهیه کننده: بهجت افشاری



زندگی براساس اندیشه^۱

کامل کردنی (نقطه چین ها):

- ۱- **سقراط** چهره برجسته تاریخ فلسفه است.
- ۲- جامعه آتن در زمان سقراط متأثر از اندیشه های **سوفسطائیان** بود.
- ۳- **سوفسطائیان** معتقد بودند که جهان را نمی توان شناخت.
- ۴- سوفسطائیان با کمک اقسام **مغالطه ها** و **جدل** و **فن سخنوری** به نشر اندیشه خود می پرداختند.
- ۵- **سقراط** برای احیای تفکر عقلانی و استواری فضیلت قیام کرده و شالوده تفکر **فلسفی** اصیل را استوار ساخت.
- ۶- **سقراط** هیچ کتابی ننوشت، اما سراسر حیاتش را با فلسفه سپری کرد.
- ۷- **افلاطون**، شاگرد برجسته سقراط بوده ست.
- ۸- **افلاطون** نشان می دهد که سقراط عمر خود را مصروف اصلاح جامعه و شناساندن افکار مغالطه آمیز **سوفیست** ها کرد.
- ۹- روش گفت و گو و پرسش و پاسخ که سقراط به کار می گرفت، به تدریج به «**روش سقراطی**» شهرت یافت.
- ۱۰- سرانجام مقامات حکومتی **سقراط** را به اتهام **فاسد کردن** جوانان و **بی ایمانی** به خدایان بازداشت کردند و او را محاکمه نمودند.
- ۱۱- **میتوس** به نمایندگی از **متهم کنندگان** در دادگاه گفت.
- ۱۲- جرم **سقراط** این است که **خدایانی** را که همه به آنها اعتقاد دارند، انکار می کند و از خدایی **جدید** سخن می گوید.
- ۱۳- **سقراط** در دادگاه گفت: کاوش و جست و جوی من برای شناخت کسانی که ادعای دانشمند بودن می کنند و جدا کردن آنها از کسانی که دانشمند حقیقی هستند، سبب شده که گروه بزرگی به غلط مرا «**دانا**» بنامند؛ در حالی که من دانا نیستم.
- ۱۴- از نظر **سقراط دانای حقیقی فقط خداست**.

- ۱۵- **سروش** معبد **دلفی** که در الهامی به دوستم **کرفون** گفته بود «داناترین مردم **سقراط**» است.
- ۱۶- سقراط، در پایان، دادگاه خطاب به حاضران گفت: ای آتنیان! گریز از **مرگ** دشوار نیست، اما گریز از **بدی** دشوار است.
- ۱۷- پس از ختم دادرسی، **سقراط** را به زندان منتقل کردند تا روزهای واپسین عمر خود را در آنجا سپری کند و در موعد مقرر جام **شوکران** را بنوشد.
- ۱۸- **دفاعیه** سقراط بیانیه ای فلسفی بود که همه اصول زندگی وی را در بر می گرفت.

صحیح و غلط:

- ۱- از نظر سقراط دانای حقیقی دوستش کرفون بود= **غلط**
- ۲- **میتوس** به نمایندگی از سقراط در دادگاه سخن گفت.= **غلط**
- ۳- سقراط هیچ کتابی ننوشت، اما سراسر حیاتش را با فلسفه سپری کرد.= **صحیح**
- ۴- سوفسطائیان با کمک اقسام مغالطه ها و جدل و فن سخنوری به نشر اندیشه خود می پرداختند
=**صحیح**.
- ۵- سرانجام مقامات حکومتی سقراط را به اتهام فاسد کردن جوانان و بی ایمانی به خدایان بازداشت کردند و او را محاکمه نمودند.= **صحیح**
- ۶- دفاعیه سقراط بیانیه ای فلسفی بود که همه اصول زندگی وی را در بر می گرفت.= **صحیح**
- ۷- سقراط سخت از مرگ ترسیده بود و تقاضای عفو و بخشش می کرد.= **غلط**
- ۸- جرم سقراط این است که خدایانی را که همه به آنها اعتقاد دارند، انکار می کند و از خدایی جدید سخن می گوید.= **صحیح**
- ۹- سوفسطائیان معتقد بودند که جهان را نمی توان شناخت.= **صحیح**

کشف ارتباط:

کدامیک از گزینه های ستون «ب» به گزینه های ستون «الف» مربوط است؟

«الف» {سوالات}	«ب» {پاسخ ها}
۱- از نظر سقراط دانای حقیقی اوست.	سوفسطائیان=۳
۲- نماینده متهم کننده گان دادگاه سقراط بود	افلاطون=۴
۳- جامعه آتن در زمان سقراط متأثر از اندیشه های آنان بود	مغالطه ها و جدل=۵
۴- شاگرد برجسته سقراط	انکر خدایان=۶
۵- سوفسطائیان با کمک آن به نشر افکار خود می چپرداختند	کرفون=۷

۶- جرم سقراط	ملتوس=۲
۷- سروش معبد دلفی به او الهام کربده بود	خدا=۱

سوالات تشریحی:

۱- جامعه آتن در زمان سقراط متأثر از اندیشه های چه کسانی بود آنان چه اعتقادی داشتند؟

جامعه آتن در زمان سقراط متأثر از اندیشه های سوفسطائیان بود. آنان معتقد بودند که جهان را نمی توان شناخت و آنچه را که ما علم و دانش می نامیم، تنها ساخته و پرداخته ذهن ماست و تطابق با واقعیت ها ندارد.

۲- سوفسطائیان چگونه به نشر اندیشه خود پرداخته و بر شیوه زندگی مردم تأثیر می گذاشتند.

آنان با کمک اقسام مغالطه ها و جدل و فن سخنوری به نشر اندیشه خود می پرداختند و بر شیوه زندگی مردم تأثیر می گذاشتند.

۳- اندیشه سوفسطائیان چه تأثیری بر اخلاق و فضیلت و شیوه زندگی مردم زمان خود گذاشته بود؟

تحت تأثیر اندیشه های سوفسطائیان ، اخلاق و فضیلت میان مردم کم رنگ شده بود و بسیاری از مردم به دنبال حق جلوه دادن باطل بودند. در چنین شرایطی که جامعه آتن از حقیقت و فضیلت فاصله می گرفت و حق طلبی در سایه جدل و سخنوری ماهرانه کم رنگ می شد.

۴- سقراط با وجود اینکه کتاب ننوشت چگونه از اندیشه های فلسفی اش دانشمندان آگاه شده اند؟

سقراط هیچ کتابی ننوشت، اما سراسر حیاتش را با فلسفه سپری کرد. زندگی وی حکایت واقعی فلسفه است. ما از مطالعه و تأمل در زندگی او می توانیم دفتر اندیشه های فلسفی اش را ورق بزنیم و به نقش حقیقی فلسفه در زندگی انسان، بیشتر پی ببریم. افلاطون، شاگرد برجسته وی این زندگی را حکایت کرده و مبارزه سقراط با مغالطه گران و سوفیست ها را در آثار خود به تصویر کشیده است.

۵- افلاطون نشان می دهد که سقراط عمر خود را چگونه مصروف کرده است؟

افلاطون نشان می دهد که سقراط عمر خود را مصروف اصلاح جامعه و شناساندن افکار مغالطه آمیز سوفیست ها کرد. با هر کس که به او گوش می داد، مسائل اساسی خداشناسی، اخلاق، سیاست و اجتماع را در میان می گذاشت. بحث های او به دل می نشست و به هر کجا که می رفت، مردم، به ویژه جوانان مشتاق گرد او حلقه می زدند.

۶- روش «بحث سقراطی» را شرح دهید.

سقراط، روش بحث ثابتی داشت. مفهومی از مفاهیم را که در زندگی ما اهمیت حیاتی دارد، برمی گزید و درباره اش پرسش می کرد. مثلاً «دوستی چیست؟» وقتی کسی داوطلب پاسخ می شد، با توجه به پاسخ او، سؤال دیگری طرح می کرد به طوری که مخاطب و پاسخ دهنده را به حقیقت می رساند و آنچه را

که حق بود، از زبان پاسخ دهنده به دست می آورد. این روش گفت و گو و پرسش و پاسخ که سقراط به کار می گرفت، به تدریج به «روش سقراطی شهرت یافت.

۷- سقراط از گشت و گذار در شهر چه مقصودی داشت؟

از گشت و گذار در شهر جز این مقصودی ندارم که شما جوانان و بزرگسالان را متقاعد سازم که نباید جسم و مال و ثروت را بر کمال نفس خود ترجیح دهید و به شما یادآوری کنم که ثروت، فضیلت نمی آورد، بلکه از فضیلت است که ثروت و هر چه که برای فرد و جامعه سودمند است، به دست می آید.

۸- خداوند چگونه رسالت خود را به سقراط داده بود و چه رسالتی داده بود؟

من هیچ گاه از بیدار ساختن، پند دادن و حتی سرزنش کردن یکایک شما باز نمی ایستم و شما همه جا مرا در کنار خود می یابید. ... من کسی نیستم که برای پول سخن بگویم یا به خاطر آن، لب از گفتار فرو بندم. من هم با تهی دستان و هم با توانگران همنشینی می کنم تا از من بپرسند و به سخنان من گوش فرا دهند ... این رسالتی است که خداوند با **نداهاى غیبی و در رؤیاها** بر عهده من نهاده است.

۹- مقامات حکومتی سقراط را به چه اتهام بازداشت و محاکمه کردند؟

سرانجام مقامات حکومتی سقراط را به اتهام فاسد کردن جوانان و بی ایمانی به خدایان بازداشت کردند و او را محاکمه نمودند.

۱۰- چه کسی به نمایندگی از متهم کنندگان در دادگاه سخن گفت و جرم سقراط را چه چیزی اعلام کرد؟

ملیتوس به نمایندگی از متهم کنندگان در دادگاه گفت: جرم سقراط این است که خدایانی را که همه به آنها اعتقاد دارند، انکار می کند و از خدایی جدید سخن می گوید! با افکار خود جوانان را گمراه می سازد و آنها را از دین و آیین پدرانشان برمی گرداند.

۱۱- سقراط اعتقاد داشت آتنیان چه افترايي به وی می زنند؟

آتنیان! بگذارید افترايي را که از دیرباز به من نسبت داده اند و ملیتوس هم همان را تکرار کرد، یادآوری کنم. آنان می گویند: سقراط رفتاری خلاف دین ما آتنیان در پیش گرفته و در پی آن است که به اسرار آسمان و زمین دست یابد باطل را حق جلوه دهد و این کار را به دیگران هم می آموزد.

۱۲- به اعتقاد سقراط چه را به او دانا می گفتند؟

آری! کاوش و جست و جوی من برای شناخت کسانی که ادعای دانشمند بودن می کنند و جدا کردن آنها از کسانی که دانشمند حقیقی هستند، سبب شده «دانا» بنامند؛ در حالی که من دانا نیستم. فقط شاید که گروه بزرگی به غلط مرا به این دلیل که وقتی نادانی کسی را آشکار می کنم، کسانی که آنجا حاضرند، گمان می کنند که آنچه را آنها نمی دانند، من می دانم؛ حال آنکه دانای حقیقی فقط خداست.

۱۳- راز سروش معبد دلفی چه بود؟

راز سروش معبد دلفی که در الهامی به دوستم کرفون گفته بود «داناترین مردم سقراط است» همین بود که به ما بنمایاند که تا چه پایه نادانیم و اگر از من به عنوان «دانا» یاد کرد، فقط به این خاطر بود که بگویند: «داناترین شما آدمیان، کسی است که چون سقراط بداند که هیچ نمی داند»

۱۴- سقراط بر چه مبنایی می گفت این افترا، که من منکر خدا باشم، وارد نیست؟

اما این افترا، که من منکر خدا باشم، وارد نیست. از تو می‌پرسم: آیا ممکن است که کسی صفات و امور مربوط به انسان را بپذیرد، اما منکر وجود انسان باشد؟ آیا کسی پیدا می‌شود که علم و قدرت و عدالت فوق بشری را قبول داشته باشد ولی وجود خداوند را منکر شود.

۱۵- چرا سقراط هراس و ترسی از دادگاه و مردن نداشت؟

ای مردم! کسی که راه درست را یافت و آن را در پیش گرفت، هرگز نباید از خطر هراسی به دل راه دهد. اکنون که خداوند مرا مأمور کرده تا در جست و جوی دانش بکوشم و آن را به دیگران بیاموزم، آیا پسندیده است که از ترس مرگ یا هر خطر دیگری از فرمان الهی سربتایم؟

۱۶- چرا سقراط اعتقاد داشت «گریز از مرگ دشوار نیست، اما گریز از بدی دشوار است.»؟

ای آنتیان! گریز از مرگ دشوار نیست، اما گریز از بدی دشوار است؛ زیرا بدی تندتر از مرگ می‌دود. من پیر و ناتوان به دام مرگ افتادم؛ ولی مخالفان من، با همه چستی و چالاکی، در چنگال بدی گرفتار آمدند. باری، اگر مرگ انتقال به جهانی دیگر است و اگر این سخن راست است که همه در گذشتگان در آنجا گرد آمده‌اند، پس چه نعمتی بالاتر از اینکه آدمی از این مدعیان که عنوان قاضی برخورد نهاده‌اند، رهایی یابد و با داوران دادگر آن جهان روبه‌رو شود و با نیکان و بلند مرتبگان همنشین گردد! اگر مرگ این است، حاضرم بارها به کام مرگ روانه شوم.

اندیشه

۱- در رفتار و گفتار سقراط بیندیشید و به سؤال‌های زیر پاسخ دهید:

۱- چرا سقراط وظیفه خود می‌دانست که درباره مسائل اساسی زندگی با مردم صحبت کند؟ آیا مردم از او چنین درخواستی کرده بودند؟

سقراط درباره مسائل اساسی زندگی با مردم سخن می‌گفت بدون اینکه مردم از او درخواست کنند. سقراط می‌گفت این رسالتی است که خداوند با نداها و غیبی و در رؤیاها برعهده من نهاده است.

۲- سقراط، این وظیفه خود را با چه روشی انجام می‌داد؟

سقراط روش بحث ثابتی داشت. مفهومی از مفاهیم را که در زندگی اهمیت حیاتی دارد برمی‌گزید و درباره اش پرسش می‌کرد و با توجه به پاسخ مخاطب پرسش دیگری را مطرح می‌کرد به طوری که پاسخ دهنده را به حقیقت می‌رساند. این روش بحث و گفت و گویی که سقراط به کار می‌برد به تدریج به روش سقراطی شهرت یافت.

۳- مخالفان اصلی سقراط چه کسانی بودند؟

مخالفان سقراط کسانی بودند که با کمک اقسام مغالطه‌ها و جدل و فن سخنوری، حق را باطل و باطل را حق جلوه می‌دادند و بر شیوه زندگی مردم تأثیر می‌گذاشتند. سقراط در چنین شرایطی قیام کرد و تفکر عقلانی را احیا نمود.

۴- با توجه به آنچه تا اینجا درباره سقراط بیان شد، آیا می‌توان برخی از اصول فکری سقراط را به دست آورد؟ درباره فضیلت و ثروت، عقل و جاهل و ...؟

برتری فضیلت بر ثروت - فداکاری در راه حقیقت- تحمل رنج برای آگاهی مردم- مبارزه با جهل و نادانی- احساس تواضع در برابر علم و دانایی

اندیشه

سقراط الگویی از یک فیلسوف است که براساس فلسفه اش زندگی کرده و در راه پایبندی به آن جان خود را فدا نموده است. در این قسمت می خواهیم در گفتار و رفتار این فیلسوف بزرگ تأمل کرده و آن اصول فلسفی را که وی با آنها زندگی کرده، استخراج نماییم:

۱- چرا شاکیان، سقراط را متهم به بی دینی و انکار خدا می کردند؟ آیا واقعا او اعتقادی به خدا نداشت؟

سقراط حقیقتاً به خدا اعتقاد داشت و حتی معتقد بود که سرش معبد دلفی از جانب خداوند برای او پیغام هایی می آورد تا با مردم در میان بگذارند. او به مغالطه و فریب و زیرپا گذاشتن ارزش های اخلاقی اعتراض داشت و از مردم می خواست که به خدای برتر که همه چیز را می داند ایمان داشته باشند و بار دیگر فضیلت های اخلاقی را زنده کنند.

۲- آیا می توان با تأمل در سخنان وی در دادگاه، برخی دیگر از اندیشه های سقراط را به دست آورد؟ مثلاً درباره خدا، مرگ و...؟

کسی که راه درست را بیابد و در زندگی به کار گیرد هرگز نباید از خطر هراسی به دل راه دهد.

نباید از ترس مرگ یا هر خطر دیگری از فرمان الهی سر برتافت.

نمی توان علم و قدرت و عدالت فوق بشری را قبول داشت ولی وجود خداوند را منکر شد.

۳- چرا سقراط دانایی را در اقرار به نادانی می دانست؟ آیا میان «چیزی نمی دانم» سقراط با «چیزی نمی دانیم» سوفسطائیان تفاوتی هست؟

علت دانا معرفی کردن سقراط در این است که او می داند که نمی داند؛ به عبارت ساده به جهل خویش آگاه است ولی دیگران که خود را دانا می شمارند، از دانایی بهره ای نبرده اند یعنی نمی دانند که نمی دانند و به جهل خود جاهل و نادانند به همین دلیل سقراط دانایی را در اقرار به نادانی می دانست؛

پس تفاوت نمی دانم سقراط با نمی دانم سوفسطائیان این است که نمی دانم سقراط ریشه در تواضع و فروتنی او دارد و خود را دوستدار دانش معرفی می کند ولی نمی دانم سوفسطائیان ریشه در جهل مرکب و خودبزرگ بینی کاذب دارد.

۴- وقتی به زندگی سقراط و رفتار او در مقابل دیگران نگاه می کنیم، کدام اصول اخلاقی را در رفتار وی می توانیم مشاهده کنیم؟

۱- ترجیح فضیلت بر ثروت ۲- گذرگاه بودن مرگ ۳- تواضع و فروتنی علمی ۴- فداکاری در راه حقیقت ۵- تحمل رنج برای آگاه کردن مردم ۶- مبارزه با جهل و نادانی